**چهل گام با امام**

|  |
| --- |
| کلمه نخست**گام دوازدهم: ریزبینى در سلوک**آن کس که اساسا در سلک سالکان کوى حق نیست و روى به سوى حقیقت ندارد و چشم به سرمنزل مقصود و کعبه حقیقى دل ها ندوخته است، سخن گفتن از دقت و ریزبینى در سلوک، براى او چندان معنا و مفهومى نخواهد داشت. و شیطان نیز مشکل چندانى براى راهیابى به دل و عمل او ندارد. روى سخن با کسى است که گام در راه نهاده است و مى خواهد منازل معرفت و عمل را یکى پس از دیگرى پشت سر نهد و سیمرغ وجود خود را به قله قاف توحید برساند. اوست که باید عزم جزم و مواظبت کند که تا از رخنه شیطان و حیله هاى نفس امّاره در امان ماند چرا که شیطان همواره به دنبال رخنه هایى هر چند کوچک مى گردد تا مأوا گزیند و شروع به پیشروى کند. این است که سالک صراط حق باید همواره مواظب حرکات و سکنات خود باشد و افکار و اعمال خویش را بررسى و تفتیش کند تا شیطان در آنها رخنه نکرده باشد. خوش بینى کامل به خود موجب غفلت از نفوذ شیطان، و زمینه غلبه آن خواهد بود. هشیار باشد که اى بسا رخنه شیطان، همین سلوک و عرفان او را مبدل به ضلالت و دور شدن او از خداوند سازد. در همین خصوص، حضرت امام خمینى مى نویسند:«بر سالک طریق آخرت لازم و حتم است که با هر جدّیتى هست معارف و مناسک خود را از تصرّف شیطان و نفس امّاره تخلیص کند و با کمال دقّت و تفتیش در حرکات و سکنات و طلب و مطلوب خود غور کند و عنایت سیر و تحصیل و مبادى حرکات باطنیه و تغذّیات روحیّه را به دست آورد واز حیطه هاى نفس و شیطان غفلت نکند و از دام هاى نفس امّاره و ابلیس غافل نشود، و در جمیع حرکات و افعال سوءظن کامل به خود داشته باشد و هیچ گاه آن را سرخود و رها نکند. چه بسا باشد که با اندک مسامحه اى انسان را مغلوب کند و به زمین زند و سوق به هلاکت و فنا دهد؛ زیرا که اگر غذاهاى روحانى از تصرّف شیطان خالص نباشد و دست او در فراهم آمدن آنها دخیل باشد، علاوه بر آنکه ارواح و قلوب با آنها تربیت نشوند و به کمال لایق خود نرسند، نقصان فاحش براى آنها دست دهد و شاید صاحب خود را در سلک شیاطین یا بهائم و سباع منسلک نماید و آنچه که مایه سعادت و رأس المال کمال انسانیت و وصول به مدارج عالیه است نتیجه منعکسه دهد و به هاویه مظلمه شقاوت سوق دهد.»آنگاه حضرت امام نمونه هایى چند از ضلالت و ظلمت و فساد داعیه دارانى از اهل عرفان اصطلاحى، ارباب ریاضت و سلوک، طالبان علوم نقلى و شرعى را به اشاره بیان مى کنند و با تأکید بر اینکه عدم مواظبت دقّت در کسب معارف و تصفیه درون موجب دورى بیشتر آنها و تیره تر شدن دل آنها شد و همان علم و معرفتى که باید موجب فلاح و رستگارى آنان باشد مایه هلاکت و بدبختى آنها گشت به دسته اى از اهل عبادت و مواظبین بر آداب و مستحبات اشاره مى کنند که عبادت شان مایه کبر و نخوت و ناز کردن بر خویش و چشم غرّه رفتن و بدبینى به دیگران شده است:«در بین اهل عبادت و مناسک و مواظبین به آداب و سنن کسانى هستند که عبادت و نسک، که سرمایه اصلاح احوال و نفوس است، قلوب آنها را کدر و ظلمانى نموده و آنها را به عُجب و خودبینى و کبر و تدلّل و تغمّز و سوءخلق و سوءظنّ به بندگان خدا وادار نموده.»این است که با توجه دادن به لزوم مواظبت بر افکار و اعمال و هشیارى در عدم رخنه شیطان در همین امورى که سرمایه سلوک و دستمایه حرکت به سوى منزل مقصود است، در تأکیدى مجدد مى نویسند:«پس، سالک طریق آخرت در هر رشته از رشته هاى دینى و طریقه اى از طریقه هاى الهى هست اوّلاً باید با کمال مواظبت و دقّت، چون طبیبى با محبّت و پرستارى پرشفقت، از حال خود مواظبت نماید و عیوب سیر و سلوک خود را تفتیش و مداقّه کند. و ثانیا در خلال آن از پناه بردن به ذات مقدس حقّ جلّ و علا در خلوات و تضرّع و زارى به درگاه اقدس ذوالجلال غفلت نورزد.خداوندا، تو خود حال ضعیف و بیچارگى ما را آگاهى، مى دانى که ما بى دستگیرى ذات مقدّس تو از دست دشمنى به این قوّت و قدرت که طمع به انبیاء عظام و کمّل اولیاء والا مقام بسته راه گریزى نداریم و اگر بارقه لطف و رحمت تو نباشد، ما را این دشمن قوى پنجه به خاک هلاکت افکند و به تیه [بیابان] ظلمت و شقاوت گرفتار کند. تو را به خاصّان درگاهت و محرمان بارگاهت قسم مى دهم که از ما متحیّران وادى ضلالت و افتادگان بیابان غوایت [سرگردانى و گمراهى] دستگیرى فرما و قلوب ما را از غلّ و غش و شرک و شک پاک فرما، انّک ولىّ الهدایة.»«منبع: آداب الصلوة، ص 21 و 22» |

**پدیدآورنده: سیدضیاء مرتضوى**